



نفس اماره

نفس اماره همان نفس سرکش است که [انسان](#) را به [گناه](#) فرما می‌دهد و به هر سو می‌کشانند. لذا به او اماره گفته‌اند.

فهرست مندرجات

- ۱ - اقسام نفس
 - ۱.۱ - نفس اماره
 - ۱.۲ - نفس لوامه
 - ۱.۳ - نفس مطمئنه
 - ۲ - ویژگی‌های نفس اماره
 - ۲.۱ - مطیع هوی و هوس
 - ۲.۲ - کینه‌توزی و دشمنی
 - ۲.۳ - تشبیه سنگ به نفس
 - ۲.۴ - نفس اماره در کلام پیامبر
 - ۳ - اقسام جهاد
 - ۳.۱ - جهاد اصغر
 - ۳.۲ - جهاد اکبر
 - ۴ - فرق شیطان با نفس اماره
 - ۴.۱ - مقدمه اول
 - ۴.۲ - مقدمه دوم
 - ۴.۲.۱ - ابلیس
 - ۴.۲.۲ - شیطان
 - ۴.۳ - مقدمه سوم
 - ۴.۴ - نتیجه
 - ۵ - پیانوئیس
 - ۶ - منبع
- اقسام نفس

دانشمندان [علم اخلاق](#)، برای [نفس](#) سه مرحله قائل‌اند که در [قرآن](#) در این زمینه آیه‌ای وجود دارد.

← نفس اماره

نفس اماره همان نفس سرکش است که [انسان](#) را به [گناه](#) فرما می‌دهد و به هر سو می‌کشانند. لذا به او اماره گفته‌اند. در این مرحله [عقل](#) و [ایمان](#) آن [قدرت](#) را ندارد که این نفس را رام سازد؛ بلکه در موارد زیادی [تسلیم](#) او می‌شود: «و ما ابری نفسی ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربی ان ربی غفور رحیم»؛

[۱] [یوسف/سور ۱۲](#)، آیه ۵۳.

پس هرگز نفس خویش را تیرنه نمی‌کنم که نفس بسیار به بدی‌ها امر می‌کند مگر آنچه که پروردگارم رحم کند، پروردگارم [غفور](#) و [رحیم](#) است» این [آیه](#) اشاره دارد که تمام بدی‌ها از نفس سرکش است، لذا [حضرت علی \(علیه السلام\)](#) می‌فرماید: «و انها لا تزال تنزع الی معصية فی هوی»؛

[۲] [امام علی \(علیه السلام\)](#)، [نهج البلاغه](#)، ص ۳۸۸.

نفس پیوسته خواهان نافرمانی و [معصیت](#) است»

← نفس لوامه

این مرحله پس از [تعلیم](#) و [تربیت](#) و مجاهدت [انسان](#) به آن ارتقاء می‌یابد، در این مرحله ممکن است انسان بر اثر طغیان غرایز گاهی مرتکب خطاء شود، اما فوراً پشیمان می‌شود و به

امامت و سرزنش خویش می‌پردازد، و تصمیم بر جبران گناه می‌گیرد و **توبه** می‌کند، «لا اقسام بیوم القیامه و لا اقسام بالنفس اللوامه؛ **[۱۱] قیامت/سوره ۷۵، آیه ۱-۲.**
سوگند به روز رستاخیز و سوگند به نفس سرزنش‌گر»

← نفس مطمئنه

این همان مرحله‌ای است که انسان با آن به جایی می‌رسد که غرایز سرکش در برابر او رام می‌شوند، زیرا **عقل** و **ایمان** آن‌چنان قوی هستند که **غرایز نفسانی** در برابر آن توانایی چندانی ندارد که این همان مرحله **آرامش** و سکینه است. البته این مرحله و مقام ویژه **پیامبران** و **پیشوایان** و پیروان راستین آنها است. «یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فاخلی فی عبادی فاخلی جنتی؛

[۱۲] فجر/سوره ۸۹، آیه ۲۷-۲۸.

تو ای روح آرام یافته، به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم از او تو خشنود است، پس در سلک بندگانم در آی و در بهشتم وارد شو.»
[۱۳] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۴۳۶.

ویژگی‌های نفس اماره

برخی ویژگی‌های نفس اماره، عبارت‌اند از:

← مطیع هوی و هوس

شیطان عمل بدش را برای او **زینت** داده و بر **قلب** او پرده‌ای کشیده که **خیر** و **شر** را تشخیص نمی‌دهد و همیشه مانند انسان‌های **جاهل** و نادان فکر می‌کند: «ان یتبعون الا الظن و ما تهوی الانفس؛

[۱۴] نجم/سوره ۵۳، آیه ۲۳.

آن‌ان جز از گمان‌های بی‌اساس و از **هوای نفس** پیروی نمی‌کنند»

گاهی آن‌چنان مطیع نفس اماره هستند که عقل هیچ‌کاره می‌شود و تمام امور به دست **هوی و هوس** و نفس اماره است. لذا حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کم من عقل اسیر تحت هوی امیر؛

[۱۵] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۸۲۳.

پس بسیار عقل‌ها و خرده‌ها که **شهوات** بر آن‌ها حکومت می‌کند»

گاهی **اطاعت** انسان از نفس اماره از این هم بالاتر می‌رود و تابع خواست‌های نفس افسار گسیخته می‌شود که هوی و هوس او معیوبش می‌شود. «أفرأیت من اتخذ الهه هواه؛

[۱۶] جاثیه/سوره ۴۵، آیه ۲۳.

آیا دیدی کسی را که هوس‌های خود را خدای خود قرار داده است»

← کینه‌توزی و دشمنی

در جریان **قتل هابیل** به دست **قابیل خداوند** می‌فرماید: «فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله؛

[۱۷] مائده/سوره ۵، آیه ۳۰.

نفس سرکش کجکم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد و (سرانجام) او را کشت»

← تشبیه سگ به نفس

تشبیه فرمان بر نفس به **سگ**: «... و اتبع هواه فمثلته کمثل الکلب ان تحمل علیه یلهث و ان ترکه یلهث؛

[۱۸] اعراف/سوره ۷، آیه ۱۷۶.

او از **هوای نفس** پیروی نمود سرگشتت او همانند داستان سگ است که اگر به آن حمله کنی زبل از دهان بیرون می‌آورد و اگر رهایش نمایی باز زبانش را خارج می‌سازد.» اگر انسان دنبال هوی و هوس و نفس اماره برود و از خدا **غفلت** کند از او ج تکامل الهی سقوط می‌کند چنان‌که **یلعم یاعورا** که این **ایه** درباره او نازل شده است گرفتار هوای نفس شد و از آن مقام والا تنزل کرد به طوری که **خداوند** او را به سگ تشبیه نموده است. او به جای این که از **علم** و **دانش** خویش برای رشد استفاده کند به پستی گرایید و بر اثر پیروی هوی و هوس مراحل سقوط را طی کرد خداوند هم او را به سگ تشبیه می‌کند که اگر به او حمله کنی دهانش باز و زبانش بیرون است و اگر او را به حال خود واگذاری باز چنین است، او بر اثر شدت **هوا پرستی** یک حالت عطش نامحدود به خود گرفته که همواره به دنبال **دنیای پرستی** می‌رود.

[۱۹] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۴.

مولانا هم نفس پلید و اماره را به سگ تشبیه می‌کند و می‌گوید:
نفس خود بر خود مگردان چیره تو زود او را بازگیر از شیر تو
طفل جان از شیر **شیطان** باز کن بعد از **آتش** با **ملک** انباز کن
هین سگ نفس ترا زنده مخواه کاو عدو جان تست از دیرگاه

← نفس اماره در کلام پیامبر

پیامبر درباره تشبیه نفس اماره می‌فرماید: «و مثل النفس کمثل النعمامة تاكل الكثير و اذا حمل علیها لا نظیر و مثل الثقلی لونه حسن و طعمه مر»؛

[۲۰] مجدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۰۳، قم، مرکز النشر، چ اول، ۱۳۶۲.

مثل نفس مثل **شتر مرغ** است که زیاد می‌خورد، ولی وقتی که چیزی روی او گذاشتی پرواز نمی‌کند و مثل خر زهره است که رنگش زیبا است اما طعمش تلخ است»

اقسام جهاد

در **روایت**، **جهاد** به اعتباری بر دو قسم تقسیم شده است؛ **جهاد اکبر** و **جهاد اصغر**.

← جهاد اصغر

مراد از جهاد اصغر جنگ با **شمشیر** و **اسلحه** است که در مقابل **دشمنان** صورت می‌گیرد. و خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ الَّتِي بَايَعْتُمْ بِهَا وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» [۱۳۱] **توبه/سوره ۹، آیه ۱۱۱.**
خداوند از **مؤمنان** جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) **بیهشت** برای آنان باشد، (به این‌گونه که) در راه خدا بیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند، این وعده حقی است بر او که در **تورات** و **انجیل** و **قرآن** نکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ!»

← جهاد اکبر

اما مراد از جهاد اکبر، بنا بر فرمایش **رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)**، **جهاد** و نبرد با نفس است؛ زیرا نفس، انسان را به کارهای زشت، همواره فرا می‌خواند، و به زشتی و شهوت‌ها تمایل دارد، و از انجام کارهای خیر کوتاهی می‌کند، آرزوهای بلند، و عظمت **قیامت** را از یاد می‌برد، ریاست را دوست دارد، و راحتی را می‌طلبد، چنان‌که خداوند فرموده است: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَزَمَ رَبِّي» [۱۳۲] **یوسف/سوره ۱۲، آیه ۵۳.**
همانا نفس همیشه به زشتی دعوت می‌کند، مگر آن‌که **خدا** مهر ورزد و به او کمک کند» [۱۳۱] **دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، ص ۹۸، الشریف الرضی، قم، چپ اول، ۴۱۲ ق.**

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گروهی از مسلمانان را به جنگی فرستاد، وقتی بازگشتند به آنان فرمود: «مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ فَيَقِيلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ» [۱۳۲] **کوفی، محمد بن محمد اشعث، الجعفریات (الاشعتیات)، ص ۷۸، مکتبه نبوی الحدیثه، تهران، چپ اول، بی تا.**
آفرین بر گروهی که جهاد کوچک‌تر را انجام داده‌اند، و جهاد بزرگ‌ترشان باقی مانده، شخصی پرسید: ای **رسول خدا** جهاد بزرگ‌تر چیست؟ فرمود: جهاد با هوای نفس» در **روایت** دیگری آن‌حضرت فرمودند: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ» [۱۳۳] **کوفی، محمد بن محمد اشعث، الجعفریات (الاشعتیات)، ص ۷۸، مکتبه نبوی الحدیثه، تهران، چپ اول، بی تا.**
بهترین جهاد از کسی است که با **نفس** خود که میان دو پهلو دارد بجنگد»

فرق شیطان با نفس اماره

برای بیان فرق بین شیطان با نفس اماره نیازمند بیان چند مقدمه است.

← مقدمه اول

نفس و مراتب آن: هویت حقیقی انسان، دارای ابعاد و لایه‌های سه‌گانه (حیوانی، انسانی، الهی) است. از آیات قرآن مجید نیز به خوبی استفاده می‌شود که **روح** و نفس انسانی دارای سه مرحله است: [۱۳۴] **مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۸۱.**

نفس اماره یا لایه حیوانی انسان.

لایه حیوانی انسان در **شهوت**، **غضب** و امیال نفسانی خلاصه می‌شود.

[۱۳۵] **جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، ص ۸۹.**

این میل قلبی و حالت نفسانی را قرآن به نفس اماره، تعبیر می‌نماید و تاکید می‌کند که: «به درستی که نفس، (انسان را) به کارهای زشت و ناروا فرمان می‌دهد»

[۱۳۶] **یوسف/سوره ۱۲، آیه ۵۳.**

به همین دلیل به آن اماره (امرکننده به بدی‌ها) گفته‌اند. در این مرحله هنوز عقل و ایمان آن قدرت را نیافته که نفس سرکش را مهار زده و آن را رام کنند بلکه در بسیاری از موارد در برابر او تسلیم می‌گردند و نفس سرکش آنها را شکست می‌دهد.

در گفتار **همس عزیز مصر** (گروهی از مفسرین مراد از این جمله را **حضرت یوسف** دانسته‌اند اما این نظر مورد پذیرش اکثر مفسرین قرار نگرفته است.)

[۱۳۷] **مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۴۳۳-۴۳۴.**

به این مرحله اشاره شده است آن‌گاه که گفت: «و ما ابرئ نفسی ان النفس لامارة بالسوء»

[۱۳۸] **یوسف/سوره ۱۲، آیه ۵۳.**

"من هرگز نفس خود را تیرنه نمی‌کنم، چرا که نفس سرکش همواره به بدی‌ها فرمان می‌دهد»

"**نفس لوامه**" مرتبه‌ای از نفس است که پس از تعلیم و تربیت و مجاهدت، انسان به این مرتبه ارتقاء می‌یابد. در این مرحله ممکن است بر اثر طغیان غرائز گناه مرتکب خلاف‌هایی بشود اما فوراً پشیمان می‌گردد و به **ملاطمت** و سرزنش خویش می‌پردازد و تصمیم بر جبران گناه می‌گیرد، و دل و جان را با **توبه** می‌شوید.

قرآن مجید این مرحله را "نفس لوامه" تعبیر کرده و می‌فرماید: «و لا أقسم باللّٰمۃ»

[۱۳۹] **قیامت/سوره ۷۵، آیه ۲.**

و سوگند به (نفس لوامه) وجدان بیدار و ملامتگر که رستخیز حق است!»

"نفس مطمئنه" آن مرتبه‌ای است که پس از تصفیه و تهذیب و تربیت کامل، انسان به آن می‌رسد در این مرتبه غرائز سرکش توانایی پیکار با عقل و ایمان در خود نمی‌بینند چرا که عقل و ایمان آن قدر نیرومند شده‌اند که غرائز نفسانی در برابر آن توانایی چندانی ندارند.

این مقام **انبیاء** و اولیا و پیروان راستین آنها است، آنهایی که در مکتب مردان خدا درس ایمان و **تقوا** آموختند و سال‌ها به تهذیب نفس پرداخته و جهاد اکبر را به مرحله نهایی رسانده‌اند. قرآن از این مرحله به نفس مطمئنه تعبیر کرده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَاتَّخِذِي فِي عِبَادِي وَ انْخُلِي جَنَّتِي»

[۲۴] فجر/سوره ۸۹، آیه ۲۷-۲۸.

ای نفس مطمئن و آرام یافته به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که تو از او خشنودی و او هم از تو خشنود.»

← مقدمه دوم

بین منظور از ابلیس و شیطان.

← ابلیس

منظور از **ابلیس**، شیطان خاصی است که از جنین می‌باشد، اما به خاطر کثرت **عبادت**، جزء ملانک قرار گرفت ولی پس از تمرد، حسابش از سایرین جدا شده و از آن مقام قفس، ساقط گردید. چون امر پروردگارش را اطاعت نکرد و **فسق** ورزید.

[۲۵] طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۲۶، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی.

← شیطان

شیطان از ماده «شطن» به معنای مخالفت و دوری می‌باشد. و به هر موجود طغیانگر و سرکش شیطان گویند. خواه از انسان‌ها باشد یا از **جن** یا از حیوانات.

[۲۶] هنائی، علی بن حسن، المنجد فی اللغة.

[۲۷] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۹۲.

چنانکه در قرآن آمده است. «وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِيْنَ الْاِنْسِ وَ الْجِنِّ...»

[۲۸] انعام/سوره ۶، آیه ۱۱۲.

بدین‌گونه برای هر پیامبری، دشمنانی از شیاطین انسانی و جن قرار دادیم...»

ابلیس را بدین‌جهت که موجودی متمرّد (نافرمان) طغیانگر و خرابکار است **شیطان** نامیدند.

← مقدمه سوم

رابطه نفس اماره با شیطان:

نفس اماره، در واقع یکی از ابزار شیطان و راه نفوذ و سلطه‌یابی بر انسان است و از جنود و سربازان شیطان محسوب می‌شود.

پس **وسوسه** از جانب ابلیس به عنوان شیطان بیرونی، و تحریک و خواهش توسط نفس اماره به عنوان شیطان درونی، انسان را به مرحله سقوط می‌کشاند.

تمام تلاش شیطان، این است که انسان گمراه شده و به حقیقت نرسد و در این خصوص، او به عزت خداوند متعال **قسم** یاد کرده است. چنانکه در قرآن آمده است: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»

[۲۹] ص/سوره ۳۸، آیه ۸۲-۸۳.

(شیطان) گفت: به عزتت قسم که همگی آنها را اغوا می‌کنم...»

اغوا، از کلمه غی به معنی ضد رشد است، و رشد، به معنی رسیدن به واقع.

[۳۰] طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۳۱، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی.

شیطان به عزت خداوند قسم یاد کرده که انسان را گمراه خواهد ساخت. «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»

[۳۱] ص/سوره ۳۸، آیه ۸۲-۸۳.

او در به انحراف کشیدن انسان مرحله به مرحله جلو آمده و انسان را تحت تاثیر القائلت خود قرار می‌دهد تا جایی که خود انسان، شیطانی می‌شود و به وسیله‌ی او دیگر انسان‌ها به انحراف کشیده می‌شوند.

انسانی که بر اثر وسوسه‌های شیطان، تسلیم خواسته و خواهش تمایلات حیوانی گردد، گرفتار نفس اماره شده است.

حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: "نفس اماره همچون فرد **منافق**، **تملق** انسان را می‌گوید و در قالب دوست، جلوه می‌کند تا بر انسان مسلط شود و او را به مراحل بعد وارد کند!"

[۳۲] آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم.

شیطان انسان‌های ضعیف‌الایمان را وسوسه کرده و به کمک تمایلات شهوانی و نفس امارش، قلب آنها منزل خود می‌کند و بالاخره با دست و بدنشان تملس برقرار کرده و **مصافحه** می‌کند و یار و رفیق آنها می‌شود. چون کسی که قلبش منزل شیطان شد، نه تنها مهماندار شیطان، بلکه یار او خواهد بود.

[۳۳] جوادی املی، عبدالله، مبای اخلای در قرآن، ص ۱۱۵.

در باره این گروه، حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «پس شیطان با چشمان آنها نگاه می‌کند و با زبان آنها حرف می‌زند». (فنظر باعینهم ونطق بالسننهم)

[۳۴] امام علی (علیه‌السلام) نهج‌البلاغه، خطبه ۷.

← نتیجه

شیطان و نفس اماره هر دو دشمن انسان هستند. به همین دلیل قرآن هم از شیطان به عنوان دشمن آشکار انسان یاد می‌کند و انسان را سفارش می‌کند که او را دشمن خود بداند. «انه لکم عدو مبین»

[\[۲۵\] بقره/سور ۲، آیه ۱۶۸.](#)

او برای شما دشمن آشکار است»

و هم در روایات معصومین (علیه السلام) به نفس اماره (هوا و هوس) دشمن شمرده شده است، این که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله سلم) فرمود؛ دشمن ترین دشمن تو نفس توست». (قال النبی (صلی الله علیه وآله سلم): «اعدی عدوک نفسک الی بین جنبیک»)

[\[۲۶\] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۷۱.](#)

به این مرحله از نفس اشاره دارد.

راز تعبیر نفس به "دشمن ترین دشمنان"، درونی بودن آن است. دشمن و سارق بیرونی، بدون همراهی این دشمن و دزد درونی، نمی‌تواند آسیب برساند. این دشمن درونی، محرم و به همهجا آشناست و با استفاده از همین آگاهی، خواسته شخص را به شیطان گزارش می‌دهد.

و از آن سو پیام و فرمان ابلیس را که اماره بالسوء بیرونی است، می‌رساند. از این رو نفس اماره خود نیز از جنود (سربازان) شیطان محسوب است. چنانکه بسیاری از اوصاف آن، در شمار جنود شیطان است.

[\[۲۷\] جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۸، ص ۵۱۶.](#)

پس نفس اماره با توجه به زمینه و گرایش حیوانی موجود در انسان، تحت تأثیر و سوسه شیطان واقع شده و شیطان نیز مرحله به مرحله جلو می‌آید، تا جایی که فرد نیز جزء حزب شیطان می‌شود. («استحوذ علیهم الشیطان فانساهم ذکر الله، اولئک حزب الشیطان»)

[\[۲۸\] مجادله/سور ۵۸، آیه ۱۹.](#)

شیطان بر آنها چیره شده، پس یاد خدا را از خاطر شان برده است، آنها حزب شیطانند.)

پانویس

۱. [↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۵۳.](#)

۲. [↑ امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۸۸.](#)

۳. [↑ قیامت/سور ۷۵، آیه ۲.](#)

۴. [↑ فجر/سور ۸۹، آیه ۲۷-۲۸.](#)

۵. [↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۴۳۶.](#)

۶. [↑ نجم/سور ۵۳، آیه ۲۳.](#)

۷. [↑ امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، کلمت قصار، ص ۸۲۳.](#)

۸. [↑ جاثیه/سور ۴۵، آیه ۲۳.](#)

۹. [↑ مائده/سور ۵، آیه ۳.](#)

۱۰. [↑ اعراف/سور ۷، آیه ۱۷۶.](#)

۱۱. [↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۴.](#)

۱۲. [↑ محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۰۳، قم، مرکز النشر، چ اول، ۱۳۶۲.](#)

۱۳. [↑ توبه/سور ۹، آیه ۱۱۱.](#)

۱۴. [↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۵۳.](#)

۱۵. [↑ دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، ص ۹۸، الشریف الرضی، قم، چپ اول، ۱۴۱۲ ق.](#)

۱۶. [↑ کوفی، محمد بن محمد اشعث، الجعفریات \(الاشعثیات\)، ص ۷۸، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، چپ اول، بی تا.](#)

۱۷. [↑ کوفی، محمد بن محمد اشعث، الجعفریات \(الاشعثیات\)، ص ۷۸، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، چپ اول، بی تا.](#)

۱۸. [↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۸۱.](#)

۱۹. [↑ جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، ص ۸۹.](#)

۲۰. [↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۵۳.](#)

۲۱. [↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۴۳۳-۴۳۴.](#)

۲۲. [↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۵۳.](#)

۲۳. [↑ قیامت/سور ۷۵، آیه ۲.](#)

۲۴. [↑ فجر/سور ۸۹، آیه ۲۷-۲۸.](#)

۲۵. [↑ طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۲۶، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی.](#)

۲۶. [↑ هنائی، علی بن حسن، المنجد فی اللغه.](#)

۲۷. [↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۹۲.](#)

۲۸. [↑ انعام/سور ۶، آیه ۱۱۲.](#)

۲۹. [↑ ص/سور ۳۸، آیه ۸۲-۸۳.](#)

۳۰. [↑ طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۳۱، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی.](#)

۳۱. [↑ ص/سور ۳۸، آیه ۸۲-۸۳.](#)

۳۲. [↑ آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم.](#)

۳۳. [↑ جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، ص ۱۱۵.](#)

۳۴. [↑ امام علی \(علیه السلام\) نهج البلاغه، خطبه ۷.](#)

۳۵. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۱۶۸.](#)

۳۶. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۷۱.](#)

۳۷. [↑ جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۸، ص ۵۱۶.](#)

۳۸. [↑ مجادله/سور ۵۸، آیه ۱۹.](#)

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «نفس اماره»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۶/۳/۲۵.
پایگاه اسلام کوئست، برگرفته از مقاله «جهادی بالاتر از جهاد شمشیر»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۳/۲۵.
پایگاه اسلام کوئست، برگرفته از مقاله «فرق شیطان با نفس اماره»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۶/۳/۲۵.

رده‌های این صفحه: [اخلاق اسلامی](#) | [فضائل اخلاقی](#)